



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیرالدين حفظه الله تعالى

موضوع:

احکام؛ مشاغل و مکاسب حرام

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: رضوان

تاریخ: ۱۳۹۵/۶/۴

حکم علامه منصور هاشمی خراسانی در مورد موسیقی چیست؟ مصداق یا مصداق‌هایی برای موسیقی حلال معرّفی نمایید.

نظر ایشان در مورد برگزاری کنسرت در کشور ایران که منجر به اختلاف بین علما شده چیست؟ برخی اعتقاد دارند اسلام دین خشونت است و با شادی مخالف است و به همین دلیل برخی علما با موسیقی و کنسرت مخالفت می‌کنند.

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۵/۶/۸

موسیقی به معنای اصوات متوالی، هماهنگ و خوشایند حرمت ذاتی ندارد؛ چراکه توالی، هماهنگی و خوشایندی اصوات عقلاً قبیح نیست و از این رو، در خلقت خداوند فراوان است و تبعاً در شریعت او نیز حرام محسوب نمی‌شود؛ مگر اینکه عنوانی ثانوی پیدا کند و آن همانا «اللَّغْوُ»، «قَوْلُ الزُّورِ» و «لَهُوَ الْحَدِيثُ» است؛ چراکه خداوند به إعراض از این‌ها امر کرده و فرموده است: «وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ»^۱؛ «و چون لغو را بشنوند از آن روی بگیرند» و فرموده است: «وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ»^۲؛ «و کسانی که از لغو روی گردانند» و فرموده است: «وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا»^۳؛ «و کسانی که باطل را شاهد نمی‌شوند و چون بر لغو می‌گذرند، بزرگوارانه عبور می‌کنند» و فرموده است: «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ»^۴؛ «پس از پلیدی بت‌ها اجتناب کنید و از سخن باطل اجتناب کنید» و فرموده است:

۱. القصص / ۵۵

۲. المؤمنون / ۳

۳. الفرقان / ۷۲

۴. الحج / ۳۰

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا ۚ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾؛ «و از مردم کسانی هستند که سخنان بیهوده را می‌خرند تا بدون علم از راه خداوند گمراه کنند و آن را به سخره بگیرند، آنان برایشان عذابی خوار کننده است».

از اینجا دانسته می‌شود که موسیقی در دو صورت حرام است:

۱. صورت آن مطرب، محرک و مناسب رقص باشد، اگرچه سخن باطل یا بیهوده‌ای در آن وجود نداشته باشد؛ چراکه در این صورت مصداق ﴿اللَّغْوُ﴾ شمرده می‌شود.

۲. سخن باطل یا بیهوده‌ای مانند کفر، کذب، هجو، هزل، فحش، استهزاء، غیبت یا تشبیب (توصیف عاشقانه از زن و مرد) در آن وجود داشته باشد، اگرچه صورت آن مطرب، محرک و مناسب رقص نباشد؛ چراکه در این صورت مصداق ﴿قَوْلُ الزُّورِ﴾ و ﴿لَهْوَ الْحَدِيثِ﴾ شمرده می‌شود.

این مبنای علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی درباره‌ی شنیدنی‌هاست که مبتنی بر سخن خداوند در قرآن است؛ چراکه خداوند در قرآن، شنیدنی‌های حرام را به دو دسته تقسیم کرده و درباره‌ی اهل بهشت فرموده است: ﴿لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا﴾؛ «در آن نه لغوی می‌شنوند و نه گناه‌انگیزی» و فرموده است: ﴿لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَابًا﴾؛ «در آن نه لغوی می‌شنوند و نه دروغی» و با این وصف، شنیدن هر یک از این دو حرام است؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ كَلِمَةً خَبِيثَةً وَصَوْتًا مُّطَرَّبًا، فَلَا تَسْمَعُوهُمَا، وَمَنْ يَسْمَعُهُمَا فَإِنَّمَا يُصَبُّ فِي أُذُنِهِ الْحَمِيمُ، وَلَا تَرْقُصُوا، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ رَاقِصٌ وَيُحِبُّ الرَّاقِصِينَ»؛ «شنیدم منصور می‌فرماید: هرآینه خداوند سخنی آلوده و آوایی طرب‌انگیز را مبغوض می‌دارد، پس به آن دو گوش نسیارید و هر کس به آن دو گوش می‌سپارد جز این نیست که در گوشش آب سوزان ریخته می‌شود و رقص نکنید؛ چراکه شیطان رقص کننده است و رقص کنندگان را دوست می‌دارد».

آری، شنیدن موسیقی هرگاه از یک سو مطرب، محرک و مناسب رقص و از سوی دیگر حاوی سخنی ناروا نباشد، اشکالی ندارد و مانند شنیدن هر صدای دیگری مباح است؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«قَالَ لِي الْمَنْصُورُ: إِنِّي سَمِعْتُ نَعْمَةً حَسَنَةً لَا لَغْوَ فِيهَا وَلَا تَأْثِيمَ، فَحَسِبْتُهَا مِنْ نَعَمَاتِ

۱. لقمان / ۶

۲. الواقعة / ۲۵

۳. التبا / ۳۵

۴. گفتار ۱۵۶، فقره‌ی ۲



بلکه آشکارا یا پنهان معطوف به کتاب خداوند هستند؛ با توجّه به اینکه سنّت، صلاحیت تخصیص یا تعمیم کتاب خداوند را ندارد و تا ورود به حوض کوثر از آن جدایی نمی‌پذیرد^۱ و با این وصف، چیزی که در احادیث مذکور بر حرمت آن تأکید شده، همان «اللغو»، «قَوْل الزُّور» و «لَهُوَ الْحَدِيث» در کتاب خداوند است و این سه عناوینی هستند که قطعاً بر هر آوای متوالی، هماهنگ و خوشایند صدق نمی‌کنند، بلکه ناگزیر اعمّ از آن هستند، وگرنه گوش سپردن به آوای بلبل نیز جایز نبود!

آری، ممکن است «اللغو» بر هر کار بی‌فایده‌ای صدق کند، ولی واضح است که هر کار بی‌فایده‌ای در اسلام حرام نیست، مگر اینکه ضرر معلومی بر آن مترتب باشد؛ با توجّه به اینکه بسیاری از کارهای عادی، فایده یا ضرر معلومی ندارند و با این وصف، «مباح» دانسته می‌شوند، بل بسیاری از کارهایی که ضرر معلوم غیر مهمّی دارند نیز حرام دانسته نمی‌شوند و تنها «مکروه» هستند و با این وصف، می‌توان گفت: مصداق «اللغو» هرگاه کار بی‌فایده‌ای باشد که ضرر مهمّی بر آن مترتب می‌شود، حرام و هرگاه کار بی‌فایده‌ای باشد که ضرر غیر مهمّی بر آن مترتب می‌شود، مکروه و هرگاه کار بی‌فایده‌ای باشد که ضرری بر آن مترتب نمی‌شود، مباح است و نواختن یا شنیدن موسیقی نیز یکی از این کارهاست.

هر چند به نظر می‌رسد که برخی از مصادیق موسیقی کار بی‌فایده‌ای نیست، بلکه فواید عقلایی و مشروعی بر آن مترتب می‌شود؛ مانند آوازهایی که در مناجات با خداوند و ستایش پیامبرش خوانده می‌شود و آوازهایی که برای دعوت به سوی خیر و امر به معروف و نهی از منکر خوانده می‌شود و آوازهایی که برای تحریض مؤمنان به جهاد در راه خداوند خوانده می‌شود و آوازهایی که در مجالس نکاح و اعیاد اسلامی برای شادمانی از اطاعت خداوند خوانده می‌شود و آوازهایی موسوم به «حُدی» که برای شتران خوانده می‌شود تا سریع‌تر حرکت کنند؛ زیرا واضح است که چنین کارهایی با توجّه به فواید عقلایی و شرعی‌شان مصداق «اللغو» محسوب نمی‌شوند و إعراض از آن‌ها وجهی ندارد، مگر اینکه صورت آن‌ها موهن و موجب سبکساری باشد یا محتوای آن‌ها «قَوْل الزُّور» و «لَهُوَ الْحَدِيث» محسوب شود و این دو در کتاب خداوند «کِذَاب» و «تأثیم» نامیده شده‌اند و مراد از آن دو «قول» و «حدیث» باطلی مانند کفر، دروغ، هجو، هزل، فحش، استهزاء، غیبت و تشبیب (توصیف عاشقانه از زن و مرد) است و قطعاً شامل «قول» و «حدیث» حق یا آوای بدون «قول» و «حدیث» نمی‌شود.

۲. بر خلاف پندار جناب‌عالی، احادیثی درباره‌ی جواز موسیقی هرگاه «اللغو»، «قَوْل الزُّور» و «لَهُوَ الْحَدِيث» نباشد رسیده است؛ چنانکه به عنوان نمونه، به سند صحیح از علی بن جعفر رسیده است که گفت: «وَسَأَلْتُهُ [يَعْنِي أَخَاهُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ] عَنِ الْغِنَاءِ، هَلْ يَصْلُحُ

۱. بنگرید به: بازگشت به اسلام، ص ۲۰۱ تا ۲۰۳.

فِي الْفِطْرِ وَالْأَصْحَى وَالْفَرَح؟ قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ مَا لَمْ يُعْصَ بِهِ»^۱؛ «و از آن حضرت [یعنی برادرش موسی بن جعفر علیه السلام] درباره‌ی غناء پرسیدم، آیا در روز فطر و قربان و شادمانی شایسته است؟ فرمود: اشکالی ندارد مادامی که با آن گناه نشود». این حدیث بسیار مهمی است که با کتاب خداوند سازگاری دارد و قاعده در باب موسیقی را آشکار می‌کند. همچنین، از امام جعفر صادق رسیده است که فرمود: «قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ مِنْ أَجْمَلِ الْجَمَالِ الشَّعْرُ الْحَسَنُ وَنَعْمَةُ الصَّوْتِ الْحَسَنُ»^۲؛ «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: بی‌گمان از زیباترین زیبایی‌ها شعر خوب و آواز صدای خوب است» و در ضمن روایتی از ابو جعفر باقر رسیده است که فرمود: «رَجَّعَ بِالْقُرْآنِ صَوْتَكَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ الصَّوْتِ الْحَسَنَ يُرْجَعُ فِيهِ تَرْجِيعًا»^۳؛ «صدایت را به قرآن آهنگ بده؛ زیرا خداوند عز و جل صدای زیبایی که به آن آهنگ داده می‌شود را دوست می‌دارد». روشن است که این دو حدیث مطلق‌اند و هر «نَعْمَةُ الصَّوْتِ الْحَسَنِ»؛ «آواز صدای خوب» و «الصَّوْتِ الْحَسَنِ يُرْجَعُ فِيهِ تَرْجِيعًا»؛ «صدای زیبایی که به آن آهنگ داده می‌شود» را در بر می‌گیرند، هر چند با حدیث پیشین به «مَا لَمْ يُعْصَ بِهِ»؛ «مادامی که با آن گناه نشود» یعنی غیر موارد «اللَّغْوُ»، «قَوْلُ الزُّورِ» و «لَهُوَ الْحَدِيثُ» تخصیص می‌خورند. به علاوه، احادیث متعددی رسیده است که از نواختن ساز و خواندن آواز در حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به دور از گناه حکایت دارد؛ چنانکه به عنوان نمونه، به سند صحیح رسیده است: «إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَرَّ بِبَعْضِ الْمَدِينَةِ، فَإِذَا هُوَ بِجَوَارٍ يَصْرَبْنَ بِدَفْنَيْنِ وَيَقْلُنَ: نَحْنُ جَوَارٍ مِنْ بَنِي النَّجَارِ / يَا حَبْدًا مُحَمَّدٌ مِنْ جَارٍ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: اللَّهُ يَعْلَمُ أَنِّي لِأَحَبُّكُمْ»^۴؛ «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر جایی از مدینه می‌گذشت، پس ناگاه با دخترکانی روبه‌رو شد که دف می‌زدند و آواز می‌خواندند و می‌گفتند: ما دخترکانی از بنی نجار هستیم / محمد چه خوب همسایه‌ای برای ماست! پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خداوند می‌داند که من شما را دوست می‌دارم» و به سند صحیح از ربیع بنت معوذ بن عفراء رسیده است که گفت: «دَخَلَ عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ عُرْسِي فَقَعَدَ عَلَيَّ مَوْضِعَ فِرَاشِي هَذَا وَعِنْدِي جَارِيَتَانِ تَتَذَبَّانِ أَبَائِي الَّذِينَ قَتِلُوا يَوْمَ بَدْرٍ تَصْرَبَانِ بِالْأُفُوفِ، فَقَالَتْ جَارِيَةٌ: وَفِينَا نَبِيٌّ يَعْلَمُ مَا فِي غَدٍ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: أَمَّا هَذَا فَلَا تَقُولِي وَقُولِي مَا كُنْتَ تَقُولِينَ»^۵؛ «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روز عروسی‌ام بر من وارد شد، پس بر همین جای بستر من نشست، در حالی که دو کنیزک نزد من بودند و بر پدرانم که روز بدر شهید شدند ندبه می‌خواندند و دف می‌زدند،

۱. قرب الإسناد للحميري، ص ۲۹۴

۲. الکافي للكليني، ج ۲، ص ۶۱۵

۳. الکافي للكليني، ج ۲، ص ۶۱۶

۴. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۱۲

۵. مسند إسحاق بن راهويه، ج ۵، ص ۱۴۳؛ مسند أحمد، ج ۶، ص ۳۶۰؛ صحيح البخاري، ج ۵، ص ۱۵ و ج ۶، ص ۱۳۷؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۱۱؛ سنن أبي داود، ج ۲، ص ۴۶۱؛ سنن الترمذي، ج ۲، ص ۲۷۶؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۷، ص ۲۸۹

تا اینکه کنیزکی گفت: و میان ما پیامبری است که آنچه در فرداست را می‌داند، پس آن حضرت فرمود: اما این را نگو و همان را بگو که می‌گفتی» و از برخی صحابه رسیده است که گفتند: «رَجَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مِنْ بَعْضِ مَغَازِيهِ فَجَاءَتْ جَارِيَةٌ سَوْدَاءُ فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنِّي كُنْتُ نَذَرْتُ أَنْ رَدَّكَ اللَّهُ تَعَالَى سَالِمًا أَنْ أَضْرِبَ عَلَى رَأْسِكَ بِالْدَّفِّ، فَقَالَ: أَوْفِي بِنَذْرِكَ!»؛ «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از برخی جنگ‌های خود بازگشت، پس کنیزکی سیاه به نزد آن حضرت آمد و گفت: ای رسول خدا! من نذر کردم که اگر خداوند تو را سالم باز گرداند بالای سر تو دف بزنم، پس آن حضرت فرمود: به نذرت وفا کن» و این دلیل بر آن است که زدن دف برای اظهار سرور از چیزی مشروع معصیت نیست؛ چراکه نذر معصیت باطل است و رسیده است: «إِنَّهُ مَرَّ بِقَوْمٍ مِنَ الزَّنَجِ وَهُمْ يَضْرِبُونَ بِطُبُولٍ لَهُمْ وَيَعْتُونَ، فَلَمَّا رَأَوْهُ سَكَتُوا، فَقَالَ: خُذُوا يَا بَنِي أَرْفَدَةَ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ، لِيَعْلَمَ الْيَهُودُ أَنَّ فِي دِينِنَا فُسْحَةً»؛ «آن حضرت بر گروهی از زنگی‌ها گذشت که بر طبل‌های خود می‌زدند و آواز می‌خواندند، پس چون آن حضرت را دیدند ساکت شدند، پس آن حضرت فرمود: ای پسران ارفده (حبشی‌ها)! به کاری که می‌کردید ادامه بدهید تا یهودیان بدانند که در دین ما وسعت وجود دارد» و رسیده است: «لَمَّا كَانَتِ اللَّيْلَةُ الَّتِي بَنَى فِيهَا عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِفَاطِمَةَ، سَمِعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ضَرْبَ الدَّفِّ فَقَالَ: مَا هَذَا؟ قَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! هَذِهِ أَسْمَاءُ بِنْتُ عَمَيْسٍ تَضْرِبُ بِالْدَّفِّ أَرَادَتْ فِيهِ فَرْحَ فَاطِمَةَ، تَرَى أَنَّهُ لَمَّا مَاتَتْ أُمُّهَا لَمْ تَجِدْ مَنْ يَقُومُ لَهَا، فَرَفَعَ رَسُولُ اللَّهِ يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ أَدْخِلْ عَلَى أَسْمَاءِ ابْنَةِ عَمَيْسٍ السُّرُورَ كَمَا أَفْرَحَتْ ابْنَتِي، ثُمَّ دَعَا بِهَا، فَقَالَ: يَا أَسْمَاءُ! مَا تَقُولُونَ إِذَا تَقَرَّضْتُمُ بِالْدَّفِّ؟ فَقَالَتْ: مَا نَذَرِي مَا نَقُولُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فِي ذَلِكَ وَإِنَّمَا أَرَدْتُ فَرْحَهَا، قَالَ: فَلَا تَقُولُوا هُجْرًا»؛ «در شبی که زفاف علی علیه السلام و فاطمه بود، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نوای دف را شنید، پس فرمود: این چیست؟ ام سلمه گفت: ای رسول خدا! این اسماء بنت عمیس است که دف می‌زند، خواسته است که فاطمه را شادمان کند، می‌پندارد چون مادرش از دنیا رفته کسی را نیافته است که به او برسد، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دست خود را به سوی آسمان بالا برد و فرمود: خدایا! شادمانی را بر اسماء بنت عمیس وارد کن همان طور که دخترم را شادمان کرد، سپس او را طلبید و فرمود: ای اسماء! چه می‌گویند هنگامی که دف می‌نوازید؟ گفت: نمی‌دانیم در آن چه بگوییم ای رسول خدا! تنها می‌خواستیم او را شادمان کنم، آن حضرت فرمود: چیز بدی نگویند» و رسیده است: «أَنَّكَ حَتَّ عَائِشَةُ ذَاتَ قَرَابَةٍ لَهَا مِنَ الْأَنْصَارِ، فَجَاءَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: أَهْدَيْتُمُ الْفَتَاةَ؟ قَالُوا: نَعَمْ، قَالَ: أَرْسَلْتُمْ مَعَهَا مَنْ يُعْنِي؟ قَالَتْ: لَا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ الْأَنْصَارَ قَوْمٌ فِيهِمْ غَزْلٌ، فَلَوْ بَعَثْتُمْ مَعَهَا مَنْ يَقُولُ: أَتَيْنَاكُمْ، أَتَيْنَاكُمْ،

۱. مسند أحمد، ج ۵، ص ۳۵۶؛ سنن أبي داود، ج ۲، ص ۱۰۳؛ صحيح ابن حبان، ج ۱۰، ص ۲۳۲؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۱۰، ص ۷۷.
 ۲. تأويل مختلف الحديث لابن قتيبة، ص ۲۷۲؛ دعائم الإسلام لابن حيون، ج ۲، ص ۲۰۵؛ شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، ج ۶، ص ۳۳۱؛ قائل: الحديث الصحيح المتفق على صحته.
 ۳. دعائم الإسلام لابن حيون، ج ۲، ص ۲۰۶.



فَحَيَّانَا وَحَيَّاكُمْ»^۱؛ «عائشه دختری از نزدیکان خود را به نکاح یکی از انصار درآورد، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و فرمود: دختر را فرستادید؟ گفتند: بله، فرمود: به همراهش کسی را فرستادید که آواز بخواند؟ گفت: نه، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: انصار قومی هستند که آواز را دوست می‌دارند، پس کاش به همراهش کسی را می‌فرستادید که بگوید: به نزدیکان آمدیم، به نزدیکان آمدیم، پاینده باشیم و پاینده باشید» و رسیده است: **«الْفَرْقُ مَا بَيْنَ النَّكَاحِ وَالسَّفَاحِ ضَرْبُ الدَّفِّ»^۲**؛ «فرق میان ازدواج و زنا نواختن دف است» و از این رو، احادیث متعددی از اهل بیت درباره‌ی جواز کسب زن آوازه‌خوان در مجالس عروسی هرگاه مرتکب حرامی نشود رسیده است.^۳

مجموع این احادیث که موافق با کتاب خداوند و موافق با اصل و قاعده‌اند تردیدی باقی نمی‌گذارند که ساز و آواز حرمت ذاتی و مطلق ندارند و هرگاه مشتمل بر صورتی موهن یا محتوایی باطل و تبعاً مصداق **«اللَّغْوُ»**، **«قَوْلُ الزُّورِ»** و **«لَهُوَ الْحَدِيثُ»** نباشند، جایزند. هر چند بیشتر سازها و آوازه‌ها - خصوصاً در حال حاضر - از این ویژگی برخوردار نیستند، بلکه صورتی موهن یا محتوایی باطل دارند و تبعاً اجتناب از آنها واجب است؛ همچنانکه ساخت و فروش آلات و ادوات موسیقی از آن حیث که مشترک میان حلال و حرامند کراهت دارد و خرید، نگهداری و یادگیری آنها برای حرام جایز نیست و این نمونه‌ای آشکار از اعتدال در اسلام است.

تاریخ: ۱۳۹۶/۱۱/۱۰

نویسنده: نسرين

پرسش فرعی ۲

گوش دادن به آواز خانم‌ها با شعر غیرمشرکانه و موسیقی، به نحوی که مخصوص مجالس لهو و لعب نباشد و غنا هم نباشد، چه حکمی دارد؟ من دلیلی بر حرمت قطعی نیافتم اگر ممکن است پاسخ استدلالی بدهید.

تاریخ: ۱۳۹۶/۱۱/۲۱

پاسخ به پرسش فرعی ۲

ادله‌ی یاد شده در بالا بر جواز گوش دادن به آوازی که مصداق لغو و تأثیم نیست، مطلق است و تبعاً شامل گوش دادن به آواز زنان نیز می‌شود؛ همچنانکه برخی از روایات یاد شده در بالا، بر جواز گوش دادن به آواز آنان - هرگاه به دور از لغو و تأثیم باشد - دلالت دارد؛ مانند روایاتی که از گوش دادن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به آواز دختران مدینه و کنیزان ربیع بنت معوذ

۱. مسند أحمد، ج ۳، ص ۳۹۱؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۱۲؛ السنن الکبری للبيهقي، ج ۷، ص ۲۸۸

۲. مصنف ابن أبي شيبة، ج ۳، ص ۳۲۱؛ مسند أحمد، ج ۴، ص ۲۵۹؛ النوادر للراوندي، ص ۱۹۰

۳. بنگرید به: الکافي للكليني، ج ۵، ص ۱۱۹؛ من لا يحضره الفقيه لابن بابويه، ج ۳، ص ۱۶۱؛ الإستبصار للطوسي، ج ۳، ص ۶۲.

در مدح آن حضرت و مدح شهدای بدر خبر می‌دهد. با این حال، مسلّم و محسوس است که صدای زنان لطیف‌تر از صدای مردان است و هرگاه به ناز و کرشمه آمیخته باشد، می‌تواند آنان را به فتنه یا خیال باطل اندازد؛ چنانکه خداوند در این باره به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم هشدار داده و فرموده است: **«فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا»**^۱؛ «پس در سخن نرمی نکنید تا مردی که در دلش مرضی است به طمع افتد و سخنی پسندیده بگوید»، هر چند ظاهر از آن اختصاص این حکم به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم است؛ با توجه به اینکه پیش از آن فرموده است: **«يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ»**؛ «ای زنان پیامبر! شما مانند هیچ یک از زنان دیگر نیستید اگر تقوا پیشه کنید» و مفهوم آن این است که نرمی کردن در سخن - فی حدّ نفسه - بر زنان دیگر حرام نیست؛ همچنانکه سخن گفتن با آنان می‌تواند از پس پرده نباشد و ازدواج با آنان پس از همسرانشان جایز است، در حالی که سخن گفتن با زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم باید از پس پرده باشد و ازدواج با آنان بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم جایز نیست؛ چنانکه فرموده است: **«وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنكِحُوا أَرْوَاحَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا»**^۲؛ «و هرگاه از آنان متاعی طلب می‌کنید، از پس پرده طلب کنید، آن برای دل‌های شما و دل‌های آنان پاکیزه‌تر است و شما را نمی‌رسد که رسول خدا را بیازارید و یا هرگز پس از او با زناش ازدواج کنید، هرآینه این نزد خداوند عظیم است».

آری، حق آن است که نهی زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم از نرمی کردن در سخن، می‌تواند از باب تأکید بر حرمت آن برای آنان باشد، نه از باب تجویز آن برای زنان دیگر و این اظهر است؛ چراکه علت ذکر شده برای حرمت آن یعنی به طمع افتادن مردان بیمار دل، برای همه‌ی زنان مشترک است و اختصاصی به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم ندارد و با این وصف، اگر مراد از نرمی کردن در سخن، سخن گفتن با مردان نامحرم به ناز و کرشمه باشد، شکی در حرمت آن برای همه‌ی زنان نیست، بل هر گونه سخن گفتن با مردان نامحرم که عرفاً نرمی کردن در سخن محسوب شود، برای همه‌ی آنان حرام است. با این وصف، آواز خواندن آنان برای مردان نامحرم نیز هرگاه عرفاً نرمی کردن در سخن محسوب شود، جایز نیست، اگرچه مناسب رقص یا حاوی کلام باطل نباشد و این علت نکوهش زنان آوازه‌خوان بیش از مردان آوازه‌خوان در روایات است؛ چنانکه به عنوان نمونه، در روایتی آمده است: **«نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَنْ بَيْعِ الْمُغْنِيَّاتِ وَعَنْ شِرَائِهِنَّ وَعَنْ كَسْبِهِنَّ وَعَنْ أَكْلِ أَثْمَانِهِنَّ»**^۳؛ «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم

۱. الأحزاب / ۳۲

۲. الأحزاب / ۵۳

۳. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۷۳۳؛ مسند أبي يعلى، ج ۱، ص ۴۰۲

از فروختن کنیزان آوازه خوان و از خریدن آنان و از درآمدشان و از خوردن پولشان نهی فرمود» و در روایتی دیگر آمده است: «الْمُعْنِيَةُ مَلْعُونَةٌ، مَلْعُونٌ مَنْ أَكَلَ كَسْبَهَا»؛^۱ «زن آوازه خوان ملعون است و هر کس از درآمد او بخورد ملعون است» و در روایتی دیگر آمده است: «شِرَاؤُهُنَّ وَبَيْعُهُنَّ حَرَامٌ وَتَعْلِيمُهُنَّ كُفْرٌ وَاسْتِمَاعُهُنَّ نِفَاقٌ»؛^۲ «خرید و فروش آنان حرام است و تعلیم دادن (آواز) به آنان کفر است و گوش دادن به آنان نفاق است»، هر چند متبادر از آنان در این قبیل روایات، زنانی بودند که در مجالس لهو و محافل فاسقان حاضر می شدند و با ناز و کرشمه، آوازهای طرب انگیز و مضامین عاشقانه می خواندند و از فراق یار و شوق دلدار و وصل نگار می سرودند و مردان بیماردل را به یاد می و معشوقه و ایام شباب می انداختند و به شوخی و سبکسری و می داشتند و از یاد خداوند و اقامه ی نماز باز می داشتند؛ چراکه غالب بر زنان آوازه خوان در آن زمان همین بود؛ همچنانکه در این زمان نیز همین است و به ندرت می توان زن آوازه خوانی را یافت که جز بر این منوال بخواند؛ تا حدی که هرگاه از زن آوازه خوان یاد می شود، زنی که قرآن یا ذکر خداوند یا مدح پیامبر یا مضامین اخلاقی و آموزنده می خواند، به ذهن متبادر نمی شود، بل زنی به ذهن متبادر می شود که با ناز و کرشمه، در باب «عشق و شباب و رندی» می خواند و آتش بر جان پیر و جوان می زند. روشن است که چنین آواز خواندنی برای زنان حرام است و گوش دادن به آن مفسد بسیاری دارد و پیروی از گام های شیطان محسوب می شود که خداوند از آن بر حذر داشته و فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾؛^۳ «ای کسانی که ایمان آوردید! از گام های شیطان پیروی نکنید و هر کس از گام های شیطان پیروی کند، همانا او به کار زشت و ناپسند امر می کند»، اما حرمت گوش دادن به آوازی از زنان که مناسب رقص یا مشتمل بر مضامین باطل یا آمیخته به ناز و کرشمه ی زنانه نیست، بلکه مشتمل بر قرائت قرآن یا ذکر خداوند یا مدح پیامبر یا مضامین اخلاقی و آموزنده به دور از جلوه گری و اطوار زنانه است، بعید به نظر می رسد؛ خصوصاً با توجه به اصل اباحه و جواز گوش دادن به صدای آنان در حین سخن گفتن و روایاتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت او که بر جواز گوش دادن به آواز آنان با شرایط مذکور، دلالت دارد؛ مانند روایات پیش گفته درباره ی گوش دادن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به آواز دختران مدینه و کنیزان ربیع بنت معوذ در مدح آن حضرت و مدح شهدای بدر و مانند روایات رسیده درباره ی جواز آواز خواندن زنان در عروسی و ماتم هرگاه با اختلاط به مردان و مشتمل بر مضامین باطل نباشد و مانند روایتی که در آن آمده است: «سَأَلَ رَجُلٌ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ شِرَاءِ جَارِيَةٍ لَهَا صَوْتُ، فَقَالَ: مَا عَلَيْكَ لَوْ اشْتَرَيْتَهَا فَدَكْرَتُكَ الْجَنَّةَ، [يَعْنِي بِقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَالزُّهْدِ وَالْفَضَائِلِ الَّتِي لَيْسَتْ بِغِنَاءٍ، فَأَمَّا الْغِنَاءُ فَمَحْظُورٌ]»؛^۴

۱. الکافی للکلینی، ج ۵، ص ۱۲۰؛ الإستبصار للطوسی، ج ۳، ص ۶۱

۲. الکافی للکلینی، ج ۵، ص ۱۲۰؛ الإستبصار للطوسی، ج ۳، ص ۶۱

۳. التور / ۲۱

۴. من لا یحضره الفقیه لابن بابویه، ج ۴، ص ۶۰

«مردی از علی بن الحسین علیه السلام درباره‌ی خریدن کنیزی پرسید که صدایی (زیبا) دارد، پس فرمود: باکی بر تو نیست که او را بخری تا تو را به یاد بهشت اندازد، [یعنی با قرائت قرآن و (خواندن در باب) زهد و فضائل که غنا نباشد؛ چراکه غنا حرام است.]» و روایتی دیگر که در آن آمده است: «قُلْتُ (لَأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ): جُعِلْتُ فِدَاكَ، فَأَشْتَرِي الْمُعْنِيَّةَ أَوِ الْجَارِيَةَ تُحْسِنُ أَنْ تُعْنِيَ أُرِيدُ بِهَا الرِّزْقَ لَا سِوَى ذَلِكَ؟ قَالَ: اشْتَرِ وَبِعْ»؛ «(به ابو الحسن رضا علیه السلام) گفتم: فدایت شوم، آیا کنیز آوازه‌خوان یا کنیزکی که خوب آواز می‌خواند را بخرم، در حالی که از طریق او قصد درآمد دارم و جز این نمی‌خواهم؟ فرمود: بخر و بفروش»، با توجه به اینکه ضرورتاً حمل بر آواز خواندن با شرایط مذکور می‌شود.



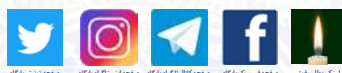
پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی
مجلسین با حکم‌های رهبرها



۱. تهذیب الأحکام للطوسی، ج ۶، ص ۳۸۷

www.alkhorasani.com

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.